

اعتبار آزمایش‌های پزشکی

بحث در مبنای اعتبار آزمایشات پزشکی مبتنی بر مقدمات حدسی بود. گفتیم یکی از این مبانی، حجیت قول خیر است که یکی از قواعد فقهی دارای اثر در سراسر فقه است. در این مساله باید از دو جهت بحث کرد. یکی از اصل اعتبار قول خیره (در مقابل اینکه حجیت قول خیره منوط به حصول وثوق باشد) و دیگری شرایط اعتبار آن (یعنی بر فرض حجیت با عدم حصول وثوق، آیا مشروط به شرایط بینه (تعدد، ذکورت و عدالت) است؟)

کلام مرحوم شیخ انصاری را نقل کردیم و ظاهر عبارت ایشان این بود که اعتبار شروط بینه در اخبار حسی مورد وفاق و تسالم است و آنچه محل خلاف است، اعتبار این شروط در اخبار حدسی است. لذا برخی از معلقین بر کلام ایشان گفته‌اند اعتبار این شروط در اخبار حسی هم محل اختلاف است و مسلم نیست. البته از کلام مرحوم سید در حاشیه بر مکاسب استفاده می‌شود که شیخ نمی‌خواهند تردید در اعتبار شروط در اخبار حدسی را به سایر علماء نسبت بدهد بلکه خودشان ایجاد تردید کرده‌اند.

مرحوم شیخ برای عدم اعتبار شروط بینه در قول مقوم و اخبار حدسی به اطلاعات حجیت خبر عدل تمسک کردند و گفتیم این حرف عجیب است و ملاک حجیت خبر با ملاک حجیت قول خیر متفاوت است و لذا نمی‌توان از اطلاق یکی برای اثبات عدم اعتبار شرط در دیگری استفاده کرد. خبر حسی به ملاک اخبار حجت است و خبر حدسی به ملاک اعمال خبرویت و حدس معتبر است. لذا جهت اعتبار آنها اصلا متفاوت است. اطلاق رفض القیود است و نتیجه آن این است که قیود محتمل، مانع نیستند در حالی که در اخبار حدسی، اعمال حدس معتبر است و لذا رفض القید نیست و لذا خودش شیخ هم گفته‌اند معرفت در آن معتبر است.

شاهد آن هم اینکه ادله حجیت خبر عادل شامل اخبار حدسی نیستند و دلیل بر اعتبار قول خیر که مبتنی بر مقدمات حدسی است متفاوت از دلیل اعتبار خبر حسی است. اگر دلیل سیره باشد، دو سیره مختلف است همان طور که اگر اجماعی هم باشد اجماع بر دو مساله متفاوت است. آیات و روایات حجیت خبر عادل شامل قول خیر نیستند. مثلا دلالت آیه نبأ بر حجیت خبر واحد، بر اساس مفهوم وصف است (بر اساس مفهوم شرط نیست چون شرط آن مسوق برای بیان موضوع است) و حجیت مفهوم وصف به ملاک لغویت است و روشن است که بر اساس لغویت نمی‌توان اطلاق مفهوم را استفاده کرد چرا که صرف حجیت خبر حسی عادل برای دفع لغویت کافی است. روایات هم این طور است و هیچ کدام اطلاق که شامل خبر حسی و حدسی باشد ندارند.

خلاصه اینکه این استدلال مرحوم شیخ عجیب است و ندیدم کسی از محشین به آن اشکال کرده باشد.

ما در خبر حسی گفتیم در موضوعات هم خبر حسی واحد حجت است و نیازی به تعدد نیست همان طور که نیازمند به عدالت فقهی نیست بلکه وثاقت کافی است و ادعای شیخ در مورد تسالم اعتبار شروط در خبر حسی، با آنچه ما گفتیم منافات دارد و برخی از محشین هم به این مساله تذکر داده‌اند.

این اشکال به کلام سید نیز وارد است. ایشان فرموده‌اند اصل (عموم دلیل حجیت خبر عادل) عدم اعتبار شروط است و خروج از این اصل نیازمند دلیل است.

«أقول بل يمكن في الأول أيضا كفاية الواحد لمنع كونه في باب الشهادة إذ التحقيق أن لا فرق بين الخبر والشهادة إلا باعتبار التعدد و عدمه فكل مورد يعتبر فيه التعدد فهو من باب الشهادة لأن يكون الفرق بينهما بكونه إخبارا في موضوع شخصي عن حسن و غيره كما يظهر من المصنف قدس سره بمعنى أن كل ما كان من هذا القبيل يعتبر فيه التعدد لأنه شهادة والحاصل أنه يظهر الفرق بين الخبر والشهادة من حيث هما وأن بعض الموارد من قبيل هذا وبعضها من قبيل ذاك و يكون اشتراط التعدد بعد معلومية كونه داخلا في موضوع الشهادة والتحقيق خلاف ذلك وأن كل مورد يعتبر فيه التعدد فهو شهادة وإلا فلا فرق بينهما بحسب المورد وكيفية الأخبار و غير ذلك و تمام الكلام في مقام آخر و الحق أن مقتضى الأصل كفاية الواحد في كل مقام خرج ما خرج و ذلك لعموم ما دلّ على حجية خبر العادل حتى في الموضوعات فتدبر» (حاشية المكاسب، جلد ۲، صفحه ۱۰۳)

مراد ایشان از اینکه عموم دلیل حجیت خبر عادل در موضوعات مقتضی کفایت واحد است چیست؟ دلیل عامی که شامل احکام و موضوعات و خبر حسی و حدسی بشود نداریم تا اطلاق آن نافی تعدد باشد.